



هدایت جنبش‌های زنانه



شکل گرفته در طول تاریخ از جمله دوران معاصر ایران توسط نخبگان و نظریه‌پردازان حوزه زن و خانواده که نگاهی عمیق به مسئله انسانی جایگاه زنان دارند، در راستای کسب یک هویت والا هدایت شوند رنگ و بوی مطالبات آنان هم نه تنها همسو با فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی می‌گردد بلکه منجر به اصلاح ساختارهای عرفی و قانونی خواهد شد که به واسطه رسوم منحرف شده به باور و ساختار عمومی تبدیل شده است.

اهمیت هدایتگری دقیقاً همین است که یک جنبش را به سمتی ببرد که ساختار غلط را اصلاح کند و باید مراقب بود که سلايق فردی و حزبی روی منافع جمعی و عقلایی پرده نیفکند و مطالبه و خواسته عبث گروهی به جای رشد افراد جامعه از جمله بانوان منجر به سوق دادن آنان به لبه پرتگاه انحطاط اخلاقی و تمدن‌گریزی نگردد. در دورانی که به واسطه فضای مجازی و ایجاد شایعات روایت‌های حقیقی پنهان می‌ماند، کار نخبگان و خواص جنبش‌ها و جریانات بسیار مهم است تا بتوانند روایت صحیح را استخراج و راه صواب از ناصواب را به مطالبه‌گران این جنبش‌ها نشان دهند تا تصمیم‌سازان هم دچار خطای محاسباتی نشوند و در پس این مطالبات همیشه اصلاح نگرش‌ها مدنظر قرار بگیرد.

مطالبات بانوان و جریان‌های زنانه ایرانی در دوران حاضر به عنوان افراد نقش‌آفرین در دل خانواده‌ها می‌تواند بر سرنوشت جمعی کل جامعه اثرگذار باشد. جامعه‌ای مثل ایران که دارای کانون‌های قوی اجتماعی همچون نهاد خانواده است، می‌تواند با یک هدایتگری به‌هنگام و مناسب از دل مطالبات و خواسته‌های بانوان، نشاط آنان را افزایش داده و موجب ارتقای اندیشه خانواده‌ها شود که در نتیجه، به ارتقای فرهنگی و بنیادی کل جامعه بینجامد.

با توجه به تحولات صدساله جهان در شئون گوناگون زندگی بشر، خواسته‌ها و نیازهای بانوان هم دچار تحول و دگرگونی شده است. از این رو، باید مطالبات و جنبش‌های زنانه در ادوار و اعصار گوناگون را با توجه به اقتضائات و شرایط خاص آن دوره مورد بررسی قرار داد که این شرایط از کشوری به کشور دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت‌های زیادی دارد.

اینکه بگوییم در دهکده جهانی که تکنولوژی صنعت حرف اول را می‌زند همه ملت‌ها باید یکسان باشند و جنبش‌های زنانه و خواسته‌های آنان هم از این همسان‌گرایی ناگریزند، ناشی از فهم اشتباه از مفهوم انسانیت و حقوق بشر است زیرا انسان‌ها به اندازه فهم بشر می‌توانند برای خود خواسته و نیاز تعریف و حقی را مطالبه کنند.

کارکرد فرهنگ اینجا مشخص می‌شود که به کمک اقتضائات روز می‌رود و به مردم مدد می‌رساند تا برای داشتن هویت مستقل چگونه مطالبه داشته باشند و اگر آن فرهنگ خلاف مسیر آن کشور باشد، بسیاری از افراد در نیمه راه از آن عقب‌نشینی می‌کنند که نمود آن را به‌وضوح می‌توانیم در جنبش‌های زنانه در جهان و به‌خصوص جریانات فمینیستی غرب مشاهده کنیم.

وقتی دقیق‌تر به این جنبش‌ها می‌نگریم متوجه می‌شویم که اگر فرهنگ ملت‌ها به کمک آنان نرود و درستی و نادرستی مطالبات چنین جنبش‌هایی را به آنان گوشزد نکند، ممکن است پس از کسب یک تجربه تلخ دوباره شرایط قبل از آن مطالبه را طلب کنند. این یعنی تلف شدن سرمایه‌ها و ائتلاف انرژی یک ملت که می‌توانسته است با یک هدایتگری صحیح از سوی نخبگان و خواص از آن جلوگیری شود. به همین علت، اگر جنبش‌های زنانه



انسان‌های خردمند از کمترین بهانه برای زندگی لذت می‌برند

«علم بهتر است یا ثروت؟» این سؤال به‌ظاهر ساده و تکراری عمری بسیار طولانی دارد. شاید بسیاری از ما براساس تجربیات روزمره‌مان، با توجه به شرایط اقتصادی موجود و هم‌چنین نوعی مهجور واقع شدن علم و صاحبان آن در جامعه، در دل خود، ثروت را به علم ترجیح دهیم اما شأن والای ذاتی علم و دانش سبب می‌شود دست‌کم در بیان، علم را ارجح بدانیم. حال باید دید واقعا کدام یک می‌تواند بر دیگری برتری داشته باشد و این ارجحیت در چه زمینه‌هایی کارساز است.

والدین عموماً فرزندان خود را به کسب دانش و ادامه تحصیلات عالی تشویق و تا حدودی وادار می‌کنند و عبارت معروف «خوب درس بخوان تا سری میان سرها در بیاوری!» بیانگر این نکته است که هنوز دانش در میان ما ایرانیان جایگاه معنوی خود را حفظ کرده است. آمار بالای تحصیلات تکمیلی در ایران به‌خوبی گویای این مدعاست.

شاید ایجاد تقابل میان علم و ثروت، سؤالی شبیه همان پرسش برخی دوستان و اقوام از کودکان باشد که پدر را بیشتر دوست داری یا مادر. درحقیقت، این سؤال از ریشه اشتباه است و فرزندان هرگز نمی‌توانند میان این دو یکی را انتخاب کنند. علم لازمه پیشرفت و توسعه است اما دانستن اینکه چه دانشی در چه زمان و مکانی می‌تواند ما را به خواسته‌هایمان برساند، نخستین علمی است که باید به آن دست پیدا کنیم. رسیدن به دلایل اینکه چرا درآمد ما کم است یا قادر به افزایش آن در طول دوره‌های مختلف زندگی خود نبوده‌ایم اولین گام علمی رسیدن به ثروت است. در بسیاری از مواقع، اعتبار جایگزین بسیار مناسبی برای پول است زیرا نه تنها می‌تواند عاملی برای کسب و افزایش ثروت باشد بلکه اگر اعتبار از طریق علم و خرد به‌وجود بیاید، می‌توان گفت علم بهتر از پول و به‌خودی خود یک ثروت معنوی ارزشمند است.

این روزها مشکلات اقتصادی بسیاری از ما را به این نتیجه رسانده است که همه خوشی و خوشبختی انسان‌ها در پول دار بودن خلاصه می‌شود. البته قطعاً با پول می‌توانیم زندگی شادتری داشته باشیم اما با دقت در زندگی افراد ثروتمند، می‌بینیم بسیاری از آن‌ها حتی با وجود پول زیاد هم شاد نیستند! دلیل این مسئله به‌یقین به این موضوع برمی‌گردد که ذهن ما چطور احساس خوشبختی را در ما به‌وجود می‌آورد و تا زمانی که انسان علم و خرد لذت بردن از زندگی را نداشته باشد، نمی‌تواند حتی از بیشترین ثروت هم لذت ببرد. این در حالی است که انسان‌های خردمند حتی از یک زندگی عادی هم لذت می‌برند و قادرند از کوچک‌ترین بهانه‌ها حس خوبی به‌دست بیاورند. بنابراین می‌توانیم بگوییم در این زمینه هم اهمیت علم بیشتر از ثروت است.

از سوی دیگر، در روزگار کنونی و جهانی که به‌واسطه دانش ارتباطات به دهکده‌ای کوچک می‌ماند، ثروتمندترین افراد دنیا مانند ایلان ماسک معروف (بنیان‌گذار، مدیرعامل و مهندس ارشد اسپیس‌اکس و سرمایه‌گذار، مدیرعامل و طراح محصولات تسلا) را صاحب بیشترین و توسعه‌یافته‌ترین علوم روز می‌بینیم که اهمیت دانش در رسیدن به ثروت را بیش از پیش برایمان روشن می‌کند. در مجموع، همه ما از اهمیت پول در زندگی مان باخبریم و خلاصه کلام این است که اگر می‌خواهیم طعم ثروت را در زندگی بچشیم، باید درباره مفاهیم مالی و علم ارتباطات، دانش کافی و به‌روزی داشته باشیم و آنچه در مسیر کسب علم نیز برای فرزندانمان هزینه می‌کنیم بر پایه همین آگاهی‌ها باشد.



شهربانو

۲۱ آذر ۱۴۰۱
۱۷ جمادی الاول ۱۴۴۴
شماره ۲۸۳۳

(۲)